

# اجلاس علمی فکری

## فصلنامه فرهنگ پویا

### با همکاری سازمان ملی جوانان قم

در میزگردی با حضور کارشناسان مطرح شد

## وهابیت؛ فرقه‌ای ویرانگر و آدم‌کش

اشاره

نخستین اجلاس علمی فکری پویا با عنوان «وهابیت، مانع انسجام اسلامی» از مجموعه نشست‌های فرهنگی فصلنامه فرهنگ پویا همزمان با ورود بنیانگذار جمهوری اسلامی در ۱۲ بهمن، در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) برگزار شد. در این جلسه که با استقبال بی‌نظیر جوانان دانشگاهی و حوزوی و با حضور اساتید حوزه و دانشگاه روبه‌رو شد، کارشناسان و صاحب‌نظران تاریخچه و عقاید و مجموع فعالیت‌های فرهنگی، علمی و سیاسی فرقه وهابیت را مورد بررسی قرار دادند. در این همایش نیم‌روزه، فیلم کوتاهی از جنایت‌های هولناک و دلخراش وهابیت در کشورهای اسلامی به نمایش درآمد که گوشه‌ای از هزاران هزار جنایت این فرقه به شمار می‌آید. آن‌چه در ادامه می‌آید، گزارش مکتوب میزگرد علمی اجلاس پویا است که توسط حجج اسلام یوسفی غروی، عباس جعفری و حسینی قزوینی برگزار شد.





**حجت الاسلام حسینی قزوینی:**  
 وهابیت، فرقه‌ای است که در قرن هفتم و هشتم هجری توسط ابن تیمیه متوفای ۷۲۸ در منطقه شامات پدید آمد. او ابتدا خود را حنبلی معرفی کرد؛ ولی پس از مدتی عقاید احمدیسن حنبلی را هم به باد استهزا گرفت و خود، مبانی فکری و اعتقادی جدیدی را بر پایه جسمانیت حق تعالی، حرمت توسل به انبیا و اولیا، حرمت رفتن به زیارت قبور، اصالت نداشتن شفاعت و حرمت بنای قبور و ساختن گنبد و گلدسته برای پیامبران و امامان و ... ارائه کرد. از آنجایی که شامات یک منطقه متمدن و فرهنگی بود، در همان آغاز شکل‌گیری این مبانی فکری، علمای اهل سنت قبل از علمای شیعه به پا خاستند و در برابر افکار ضد قرآنی وی قیام کردند و او را چندین بار به محکمه کشانده، به زندان انداختند. ابن تیمیه پس از دادن تعهد، از زندان آزاد شد و سرانجام سال ۷۲۸ هجری در زندان قلعه دمشق از دنیا رفت. چهار قرن گذشت تا دوران رو به افول دولت عثمانی فرا رسید استعمار غرب که از دولت عثمانی

ضربه سنگینی خورده بود، کوشید تا با تفرقه‌افکنی در کشورهای اسلامی، توانایی مسلمانان را از بین ببرد. در همین راستا، جاسوس انگلیس با تلاش ویژه خود توانست محمدبن عبدالوهاب را تحریک و وارد عرصه فرهنگ ضد دینی کند. محمدبن عبدالوهاب بر خلاف ابن تیمیه، فعالیتش را در منطقه دور از تمدن و علم نجد و اطراف ریاض شروع کرد. از آنجایی که افراد برجسته علمی در برابر او نبودند، وی توانست در مدت بسیار کوتاه با تکیه بر قدرت نظامی محمدبن سعود، و با کمک گرفتن از مستشاران نظامی انگلستان، مردم منطقه را به خاک و خون کشد و قبور صحابه و اولیای خدا را با خاک یکسان کند.

اولین قبری که وهابیان در منطقه نجد ویران کردند، قبر زیدبن خطاب، برادر خلیفه دوم بود. پس از آن با حمله به شهرهای عربستان سعودی، مسلمانان را قتل‌عام و اموالشان را غارت کردند. آن‌ها مردمی را که در مسجد مشغول نماز بودند، قتل‌عام می‌کردند. طفل را در دامن مادر سر می‌بریدند و کتاب‌ها

و قرآن‌ها را در کوچه و خیابان زیر پای حیوانات می‌ریختند. در سال ۱۲۱۸ که وارد مکه مکرمه شدند، قبور اولیا و صحابه را با خاک یکسان کردند. حتی منزل امیرالمؤمنین و منزل خلیفه اول و دوم را در امان نگذاشتند. خانه خدیجه کبری را نیز که معبد جبرئیل و محل نزول وحی بود، با خاک یکسان و به دستشویی مبدل کردند! مکان ولادت پیامبر گرامی اسلام (ص) را ویران و آن را به محل خرید و فروش حیوانات تغییر دادند! در حمله به مدینه منوره نیز تمام قبور صحابه و زنان پیامبر (ص) را با خاک یکسان کردند. در حمله دوم سال ۱۳۴۴، حرم و بارگاه نورانی ائمه بقیع (ع) را ویران کردند و حتی تصمیم گرفتند گنبد سبز حرم مطهر پیامبر (ص) و ضریح بالای قبر ایشان را هم از بین ببرند؛ اما کشورهای اسلامی تهدید کردند که اگر متعرض قبر پیامبر (ص) شوید، وارد جنگ خواهیم شد و در نتیجه، وهابیان عقب نشستند. امروزه هم بعضی از وهابی‌ها به دولت سعودی اعتراض می‌کنند که چرا برای از بین بردن ضریح پیامبر اکرم (ص) اقدام



مطرح می‌کند و در پایان می‌گوید: ما باید با مسلمانان وحدت داشته باشیم ولی شیعه را مسلمان نمی‌دانیم! اولین شرط تقرب با شیعیان این است که ثابت کنند مسلمان هستند! شخصیت شماره دو علمی عربستان هم چندی پیش به طور رسمی فتوا داد که: من به چند دلیل شیعیان را کافر می‌دانم! اول این که این‌ها قرآن را تحریف شده می‌دانند، صحابه و سنت پیغمبر (ص) را قبول ندارند و به اهل بیت متوسل می‌شوند. بنابر این شیعیان عضو امت اسلامی نیستند؛ تا ما با این‌ها تقرب داشته باشیم! حتی از وی سؤال شده آیا می‌توانیم به فقرای شیعه زکات بدهیم؟! که می‌گوید: هر گونه کمک به فقرای شیعه حرام است! در عربستان یک هیأت عالی وجود دارد که در رأس آن، مفتی اعظم عربستان هست. از این هیأت پرسیده‌اند که آیا ما می‌توانیم با شیعه تقرب داشته باشیم؟ و هیأت به طور رسمی اعلام کرده که امکان تقرب با شیعه وجود ندارد، همان گونه که تقرب با یهود و نصاری برای ما امکان‌پذیر نیست! بر همین

کسی به وحدت اعتقادی نداشته باشد، تحت تاثیر وهابیت است. مرحوم محمد تقی قمی، مسؤول دارالتقرب قاهره در آن دوران، در گزارشی به مشکلاتی که وهابیت بر سر راه تاسیس دارالتقرب فراهم آورده، اشاره کرده است. به طور کلی، وهابیت یکی از عوامل اساسی در برابر تحقق اتحاد ملی و انسجام اسلامی است.

**حجت الاسلام جعفری:** بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند یکی از موانع اصلی در راه تحقق انسجام اسلامی، فتنه‌انگیزی وهابیان است. نظر جناب عالی در این باره چیست؟

**حجت الاسلام حسینی قزوینی:** بحثی که امروز به صورت استخوانی در گلوبی جهان اسلام درآمده، تفکر ضد قرآنی وهابیت است. قرآن به صراحت می‌گوید: «واعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا». در کتابی به نام الشیعه و التقرب که تقریباً دوازده سال قبل در عربستان سعودی نوشته شده، مؤلف، مبانی وحدت و تقرب را

نمی‌کنید! یکی از شخصیت‌های علمی تراز اول سعودی در یکی از پیام‌هایش اعلام می‌کند: اگر دولت سعودی داعیه توحید دارد، باید ابتدا گنبد سبز و ضریح مطهر حرم پیامبر (ص) را از بین ببرد. البته هرگاه فرصتی مناسب به دست آورند و از تعرض مسلمانان احساس امنیت کنند، قطعاً به چنین جنایتی دست خواهند زد.

**حجت الاسلام یوسفی غروی:** وهابیان نمی‌توانند منشأ استعماری خودشان را مخفی کنند و در ائتلاف شوم بین محمد بن عبدالوهاب و محمد بن سعود که به جنایت‌های هولناکی انجامیده است، دست انگلیس، قابل پنهان کردن نیست. اکثر قریب به اتفاق مسلمانان با این فرقه مخالفند. دارالتقرب بین مذاهب اسلامی در قاهره که با همت مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی بر پا شد، نشان داد که عده زیادی از علمای اهل سنت، تقرب و وحدت را قبول دارند و با فرقه وهابی موافق نیستند. در میان علمای اهل سنت نیز اگر



از تحریکات استعمار، چیز دیگری نیست. مجموعه قرائن هم نشان می‌دهد که استعمار انگلیس برای اختلاف‌افکنی، نقشه‌های فراوانی داشته و عملی کرده است

شود. آیا در پیدایش وهابیت باید ابعاد تاریخی و عقاید دینی را مؤثر بدانیم یا این که آن را یک پدیده استعماری تلقی کنیم؟

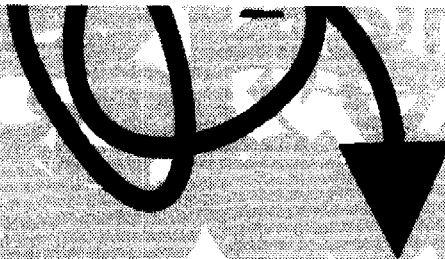
**حجت الاسلام جعفری: آیا شما القاعده و طالبان را همان وهابیت جدید می‌دانید؟**

**حجت الاسلام حسینی قزوینی: گمان نمی‌کنم برای آگاهان از مبانی فکری و کارنامه عملی وهابیت، شبهه‌ای در این زمینه وجود داشته باشد. در سال ۱۹۸۵ میلادی که افغانستان در تصرف کشور روسیه بود، آمریکا تلاش می‌کرد این کشور را از چنگال روس درآورد و پاکستان را مرکز آموزش نظامی و چریکی قرار داد. واشنگتن، بن‌لادن را حمایت کرد و نیروهای بسیاری از عربستان، سودان، سوریه و عراق تا حدود پنجاه هزار چریک برای آموزش نظامی به پاکستان اعزام شدند. معاون امنیت ملی جیمی کارتر به صراحت اعتراف کرد که نزدیک به پنجاه میلیارد دلار**

**یوسفی غروی: در میان عامه مسلمانان، احترام به اولیاءالله و مقربین امر حرامی شمرده نمی‌شود؛ بلکه این اندازه احترام و تکریم معمول بوده است. الان هم در سرتاسر جهان اسلام هست، هرچند در مصداقش اختلاف باشد. از زمان این تیمه افکار انحرافی در این باره شکل گرفت؛ اما نه به صورت یک فرقه مذهبی. بلکه این وهابیت بود که افکار انحرافی خود را به صورت فرقه‌ای مذهبی معرفی کرد و گسترش داد. اصل حرکت مسلحانه به صورت راهزنی و امثال آن در صحرای حجاز و راه‌های حج سابقه داشته است و هر از چندی که دولت‌ها مسلط می‌شدند، با تالیف قلوب و دادن حق‌السکوت، قبایل و عشایر بدوی را آرام می‌کردند. اما این که راهزنی مسلحانه را به صورت منظم و به عنوان فرقه‌ای جدید انجام دهند، غیر**

اساس است که عبدالمالک ریگی در ایران شاخه نظامی وهابیت را ایجاد کرده و جنگ مسلحانه با نظام جمهوری اسلامی به عنوان مظهر حکومت شیعی و کشتن شیعیان را واجب و وسیله رسیدن به بهشت اعلام می‌کند! زرقاوی - رهبر وقت شاخه نظامی وهابیت در عراق - دو ماه قبل از هلاکت، رسماً اعلام کرد که دشمن واقعی ما امروز آمریکا و اسرائیل نیست؛ بلکه شیعیان هستند! در جنگ سی و سه روزه حزب‌الله با صهیونیسم، سه تن از رهبران فکری و دینی وهابیت فتوا دادند که هر گونه مساعدت به حزب‌الله حرام است؛ چرا که این‌ها در حقیقت جسم شیطان هستند! حتی دعا کردن برای پیروزی حزب‌الله را گناه کبیره دانستند! این طرز نگاه وهابیت به جهان اسلام است.

**حجت الاسلام جعفری: درباره پیدایش وهابیت، نظریه‌های مختلفی مطرح است. براساس یک نظریه، وهابیت یک پدیده انحرافی بود که توانست بر مهم‌ترین مرکز جهان اسلام مسلط**



فصلنامه فرهنگ پروا  
با همکاری سازمان ملی اح



محمدبن عبدالوهاب، برخی اساتید وی در همان ابتدا به او می گفتند که ما نشانه‌های گمراهی و گمراه‌گری را در تو می بینیم. پدر خود محمدبن عبدالوهاب، همیشه مردم را از نزدیک شدن به پسرش بر حذر می داشت و می گفت: من در این فرزندم نشانه‌های الحاد و بی دینی را مشاهده می کنم. برادرش سلیمان بن عبدالوهاب در کتاب خود، او را مرتد و بر خلاف تمام بزرگان و علما در دوازده قرن معرفی کرد. یکی دیگر از علمای اهل تسنن می گوید: محمدبن عبدالوهاب اگر می خواست کسی را وهابی کند، می گفت باید چند شهادتین را به زبان آوری. اگر این شهادت‌ها را به زبان می آورد، او را مسلمان تلقی می کرد و گرنه گردشش را می زد! می گفت باید شهادت بدهی که ۱. کافر بودی و با ورود به فرقه وهابیت، مسلمان شدی؛  
۲. پدر و مادرت در حال کفر از دنیا رفته‌اند و حق استغفار برای آن‌ها را نداری؛  
۳. تمام علمای اسلامی به حال کفر از دنیا رفته‌اند و حق طلب

حجت الاسلام حسینی قزوینی: برخورد علمای اهل سنت با ابن تیمیه بسیار جدی است. یکی از استوانه‌های علمی اهل سنت به او می نویسد: ای بیچاره! آنان که از تو پیروی می کنند، در پرتگاه بندگی و کفر و نابودی قرار دارند. عمده پیروان تو؛ عقب مانده، گوشه گیر، سبک عقل، دروغگو، بیگانه، فرومایه، مکار و فاقد فهم هستند... اگر سخن من را قبول نداری، آنان را امتحان کن و با مقیاس عدالت بسنج. یکی دیگر از بزرگان اهل تسنن درباره ابن تیمیه می گوید: عده‌ای از مسلمان‌ها او را کافر می دانند به خاطر این که مطالب زشتی در ترسیم خدای عالم دارد؛ و برخی او را منافق می دانند به سبب جسارتی که به ساحت مقدس امیرالمؤمنین (ع) داشته است  
عالم دیگری از آنان تصریح می کند: ابن تیمیه فردی است که خدا او را دلیل، گمراه و کور و کر کرده است  
این‌ها نمونه‌هایی از سخن بزرگان اهل سنت درباره بنیانگذار مبانی فکری وهابیت است. اما درباره خود

برای آموزش این‌ها هزینه کرده‌ایم! گروه القاعده از این‌جا شکل گرفت. حتی برخی از آن‌ها که در کشتار مردم نقش فعالی داشتند، از طرف آمریکا مدال دریافت کردند. آقای برژنسکی در سال ۱۹۸۵ گفت: مجاهدینی که در پاکستان دوره می بینند و در افغانستان عملیات نظامی انجام می دهند، فرشتگانی هستند که آمریکا را در نابودی امپراتوری شرق پشتیبانی می کنند! تعداد بسیاری از این‌ها را برای گذراندن دوره‌های ویژه چریکی به آمریکا بردند و از آن‌جا به پاکستان و سپس افغانستان فرستادند. رئیس سازمان امنیت عراق هم بخشی از مسائل مالی و نظامی القاعده را به عهده گرفت و کار به این‌جا کشیده که امروز القاعده به ظاهر در برابر آمریکا ایستاده و واشنگتن تلاش می کند این گروه را به نوعی از میدان به در کند.

حجت الاسلام جعفری: با این وصف، آیا علمای اهل سنت با این فرقه برخورد نداشته‌اند؟



مغفرت برای آن‌ها را نداری هم چنین دستور داده بود کسی قبل و بعد از اذان یا در وسط آن، حق صلوات گفتن بر پیامبر (ص) را ندارد. به نوشته این عالم سنی، یک مؤذن صالح و نابینایی در وسط اذان بر پیامبر (ص) درود فرستاد. محمدبن عبدالوهاب دستور داد مؤذن بیچاره را آوردند و در ملا عام گردن زدند! در عصر حاضر نیز شخصیت‌های برجسته‌ای حتی در داخل عربستان سعودی با تفکر وهابی مخالف هستند؛ از جمله محمد بن علوی مالکی که کتاب‌های متعددی در رد عقائد وهابیت نوشت و حتی بن‌باز، مفتی اعظم عربستان، حکم اعدام او را صادر کرد. در داخل کشورمان نیز برخی شخصیت‌های تراز اول اهل سنت در برابر وهابیت مواضع شدیدی دارند؛ ولی متأسفانه تاکنون نتوانسته‌ایم از این اهرم به خوبی استفاده کنیم.

**حجت الاسلام جعفری:** با توجه به خطرهای وهابیت برای جهان اسلام و به ویژه تشیع، آیا علمای ما در طول

این دو قرن اخیر وظیفه خودشان را در برابر این خطر بزرگ به خوبی انجام داده‌اند؟ مهم‌ترین کتاب‌ها، تحقیقات و برخوردهایی که از ناحیه علمای شیعه در برابر این‌ها صورت گرفته، چه بوده است؟

**حجت الاسلام یوسفی غروی:** طبق روایات، عام وقتی می‌بیند عده‌ای مشغول بدعت‌گذاری در دین خدا هستند، باید تصریح کند که براساس اطلاعات من، سند و مدرکی برای چنین حرف یا عملی نیست؛ در واقع، همان وظیفه امر به معروف و نهی از منکر است و چه منکری از منکرات وهابیان بالاتر؟! هنوز هم خون مسلمانان در عراق و افغانستان و پاکستان، به ویژه در ایام محرم - ریخته می‌شود؛ چون می‌گویند این عزاداری‌ها شرک است! گاهی فقط می‌گویند حرام است، اما گاهی می‌گویند این‌ها مظاهر شرک است! گویا شما به تقدیس ائمه و غلو در ائمه معتقد هستید! مثل این که امام حسین (ع) را خدا می‌دانید! به دلیل این که نذر و نیاز می‌کنید! با توجه به

این مسائل و روایات، طبیعی است علمای شیعه به وظیفه خود در راه مقابله با این بدعت‌ها و فرقه‌های انحرافی عمل کنند. در این زمینه کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های فراوانی نوشته شده است. جناب آقای جعفری، صاحب یک پایان‌نامه در این زمینه هستند. اولین کتابی که به دست یکی از علمای ما در این زمینه نوشته شد، کتاب کشف الارتیاب مرحوم آقاسید محسن امین عاملی است که به فارسی هم ترجمه شده است. جناب آقای فقیهی هم کتاب ارزشمندی به نام «وهابیان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی» دارند که بسیار ارزشمند است. آیت‌الله سبحانی هم کتاب آیین وهابیت را تألیف کرده‌اند، مرحوم آقا سید محمد شیرازی نیز کتاب دنیا در خطر سقوط یا بازیچه وهابیان را به رشته تحریر درآورده‌اند.

**حجت الاسلام جعفری:** برای پاسخ به شبهات وهابیت باید از چه منابع و روش‌هایی استفاده کنیم؟

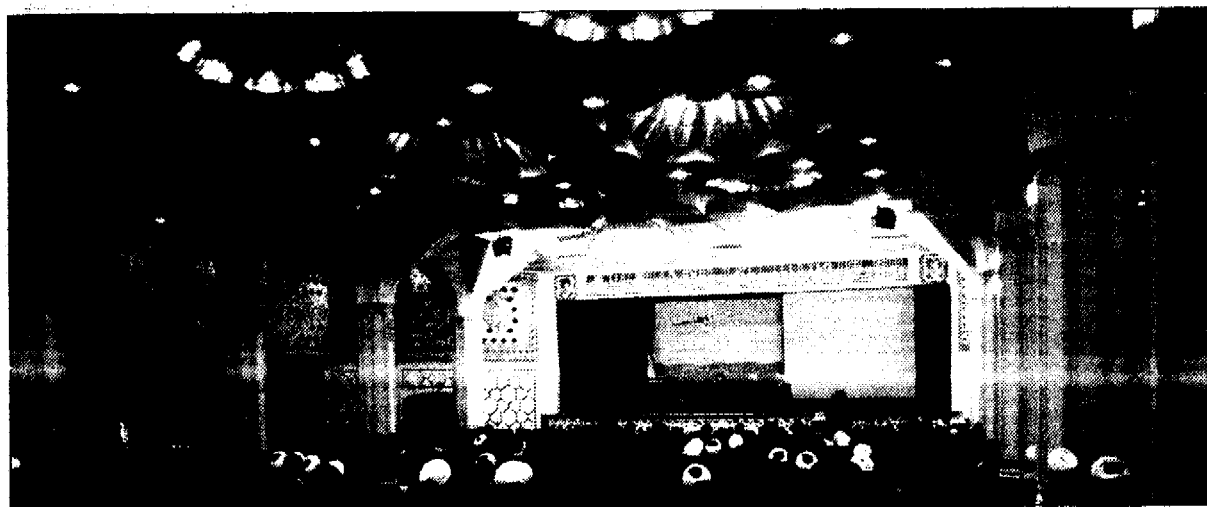


سعودی شیخ عبدالعظیم بن عبدالله آل شیخ چند ماه قبل بیانیه‌ای صادر کرد و در آن، همه فتاوی تکفیری را به باد استهزا گرفت. وی در اطلاعیه خود، افرادی را که به قصد جهاد از عربستان سعودی به عراق می‌روند و کشته می‌شوند، دیوانه و اقدام آن‌ها را خودکشی و حماقت نامید. آنان همین امسال هم همایشی بین‌المللی در مکه برگزار شد هفتاد نفر از شخصیت‌های جهانی سراسر جهان را هم به آن دعوت کرده بودند. ملک عبدالله بیانیه‌ای به این همایش فرستاد و تکفیری‌ها و وهابی‌های تندرو را به خاطر صدور فتاوی‌های ضد دینی به باد استهزا گرفت و فتاوی‌ای این‌ها را ضد قرآنی اعلام کرد. وهابیت در دو دهه اخیر، در داخل خودش دچار اختلاف شده است. یک دسته از آن‌ها که داعیه اصلاح طلبی دارند، زیر نظر ملک عبدالله می‌خواهند عربستان سعودی را به کشوری پیشرفته و اروپایی تبدیل کنند. دسته دیگر هم به رهبری نایب - برادر فهد - رادیکال خشونت طلب هستند و القاعده یکی از شاخه‌های نظامی آن‌ها است. امروزه دولت عربستان، خود از دست این تکفیری‌ها و

در این دایره‌ی المعارف، سه دهه و صدها هزار تن از شخصیت‌های علمی اشاره شده که به مذهب شیعه گرویده‌اند. حتی بعضی از آن‌ها امام جمعه وهابی بودند و بعد از بررسی و آگاه شدن، به مذهب شیعه روی آورده‌اند. حضرت آیت‌الله سبحانی در یکی از کتاب‌هایشان نوشته‌اند که براساس جدیدترین آمار، چهل هزار سایت وهابی مشغول فعالیت علیه شیعه هستند. در حالی که در عربستان اینترنت فعالیت دارند، می‌دانند که تصور این تعداد هم مشکل است. با این وصف، بنده با بیست و پنج سال تجربه و بررسی فراوان، هنوز نتوانسته‌ام تعداد سایت‌های شناخته شده شیعی را به پنج هزار تا برسانم! بنابر این فعالیت ما در برابر فعالیت وهابیان اصلاً تناسب ندارد. برنامه‌های شیعه در طول تاریخ، واکنش به حمله مخالفان بوده است. نگوئید ما کتاب مستقل بنویسیم و اشکالات موجود در عقاید وهابیت یا سنی‌های افراطی را به آگاهی دیگران برسانیم. به رغم جنابیت‌های وهابیت، امسال چند مورد سوژه مناسب پیش آمد، ولی متأسفانه از این سوژه‌ها استفاده نکردیم. مفتی اعظم عربستان

حجت الاسلام حسینی قزوینی: اگر بخواهیم علیه وهابیت فعالیت کنیم، باید نخست یک آسیب‌شناسی جدی درباره کارهای خودمان داشته باشیم و ببینیم چرا وهابیت با این که فرقه‌ای باطل، خرافی و خشن است، این‌گونه پیشرفت کرده است، ولی شیعه یا این که تنها مذهب منطبق با آیات قرآن و سنت رسول اکرم (ص) است، نتوانسته این چنین رشد کند. بهمنشع بهانی اصل پیست (ع) آماری ارائه کرده که خیلی دردآور است. براساس این آمار، وهابی‌ها طی یک دهه پانصد هزار نفر را در ایتالیا و چهارمیلیون و پانصد هزار نفر را در آمریکا لاتین، وهابی کرده‌اند؛ اما آمارها چگونه است؟! امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: تعصب می‌دم از باطل که با آن شاخه‌های باطلش این همه پیشرفت دارد، ولی شما در مذهب حق‌تان، این همه سساکت و بی‌تحرک هستید. در سه دهه اخیر رویکرد جوان‌های سنی و وهابی و دانشمندانی که به مذهب شیعه روی آورده‌اند، تحسین برانگیز بوده است. یکی از مراکز پژوهشی قم، دایره‌ی معارفی را دست تهیه دارد که تاکنون چهارده جلد شده است.





**حجت الاسلام جعفری:** جدا از افکار انحرافی، وهابیان، با توجه به جنایت‌های گسترده این فرقه به ویژه جنایت‌های اخیر آن‌ها در کشورهای همسایه، چرا دولت اسلامی ما می‌کوشد خود را با عربستان سعودی که مهد وهابیت است، گسترش دهد؟

**حجت الاسلام یوسفی غروی:** تردیدی نیست که جنایت‌های وهابیان به اوج رسیده است، منتهی در همه موارد از جمله استمرار یا قطع روابط باید همه ابعاد قضیه در نظر گرفته شود و پس از بررسی منافع و ضررهای هر یک، تصمیم مناسب گرفته شود. در این گونه موارد، قطع ارتباط به نفع جمهوری اسلامی و مسلمانان نیست؛ زیرا حتی امکان اعتراض هم سلب می‌شود و گستاخی طرف مقابل افزایش می‌یابد. برای مثال در طول سه سال قطع رابطه دو کشور، عربستان سعودی بسیاری از کتاب‌هایی را که پیش از آن با نام‌های مستعار علیه شیعه می‌نوشتند، خود به طور رسمی به چاپ و نشر آن همت گمارد و حتی در سفارتخانه‌هایشان مکانی را برای فروش کتاب‌های ضد شیعی اختصاص داده بودند.

مطالب ما را می‌شنوند و اگر به طور کلی اثر نکند، فی‌الجمله اثراتی خواهد داشت. نکته مهم این است که از طرف علمای شیعه، هیچ مانعی برای مناظره وجود ندارد و در این باره به مقدار کافی اتمام حجت شده است. اما نباید انتظار داشته باشیم که آن‌ها از اعلام آمادگی شیعه برای مناظره استقبال کنند؛ زیرا همان طور که اشاره شد، مناظره مذهبی خلاف مذهب‌شان است. نکته دیگر این که کتاب‌های شیعه اگرچه اغلب حالت تدافعی دارد؛ اما این یک حسن است و نشان می‌دهد که علمای ما در طول تاریخ پای‌بند به انسجام اسلامی بوده‌اند و هیچ‌گاه تهاجم فکری و مذهبی را آغاز نکرده‌اند. از سوی دیگر در همین کتاب‌های دفاعی، شیعه تا حدودی حالت تهاجمی هم دارد و این می‌تواند برای کسانی که می‌گویند چرا شیعه همواره در مواضع تدافعی است، راضی کننده باشد. البته مطالبی که جناب آقای حسینی قزوینی فرمودند، از قبیل تواضع بالحق و تواضع بالصبر است که هر کدام از ما به مقدار توان‌مان درصدد دفاع و به تعبیری تهاجم دفاعی هم باشیم.

افراطی‌ها به ستوه آمده است! باید اطلاعات‌مان به روز باشد و به شبهات وهابیان پاسخ دهیم. همچنین در کتاب‌های درسی، مباحث مربوط به وهابیت را بگنجانیم تا جوانان، از این فرقه زشت و به تعبیر مقام معظم رهبری فرقه سفیانی و شیطانی آگاهی داشته باشند.

**حجت الاسلام جعفری:** به نظر شما آیا امکان گفتگو و مناظره با علمای وهابی وجود دارد؟

**آقای یوسفی:** وهابیان همان طور که خودشان می‌گویند، تابع مذهب حنبلی از مذاهب چهارگانه اهل تسنن هستند. یکی از اهل تسنن، جارالله زمخشری است که در تفسیر خود، درباره هر کدام از این چهار مذهب رسمی، یک اشکال می‌گیرد و نسبت به حنبلی‌ها بیش از یک اشکال مطرح می‌کند. از جمله این که مناظره مذهبی را تحریم می‌کنند. وهابی‌ها هم که مدعی تبعیت از مذهب حنبلی هستند، مناظره مذهبی را تحریم می‌کنند و این، مورد تجربه است. البته همان طور که جناب آقای حسینی قزوینی اشاره کردند، اخیراً افراد معتدلی هم در بین وهابی‌ها پیدا شده‌اند که دست کم گاهی